

در نوشتار قبلی که به توحید و خداآوری و نقش آن در زندگی پرداختیم، گفتیم که خداآوری چراغ راه زندگی و عمیق ترین و بنیادی ترین باور انسانی است. گام دوم خداآوری، پیوند عمیق ایمان با عمل صالح است. باور به یگانگی و حضور همیشگی خداوند، صرفا یک ادعای قلبی نیست، بلکه باید در تمامی اعمال و رفتارهای فرد متجلی شود و جهت گیری زندگی او را مشخص کند. قرآن کریم هدف از خلقت جن و انس را تنها بندگی و عبادت معرفی می‌کند؛ چنان‌که در آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» بر این مهم تأکید شده است. این بندگی محدود به مناسک خاص نیست، بلکه شامل هرگونه عمل نیکي است که در مسیر رضایت الهی انجام می‌شود.

اهمیت این پیوند در سوره مبارک عصر به روشنی بیان شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ». این آیه، هشدار می‌دهد که بدون عمل شایسته، انسان در معرض زیان و خسران است.

خداآوری حقیقی، همواره با مسئولیت پذیری و حس پاسخگویی همراه است. مؤمن می‌داند که ریزدرشت اعمالش، حتی به اندازه ذره‌ای ناچیز، ثبت و محاسبه می‌شود و خداوند در این باره می‌فرماید: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَمْكُرْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ». این حس نظارت الهی، انگیزه‌ای قوی برای تقوا و پرهیزکاری می‌آفریند و انسان را در انتخاب مسیر و عمل صالح، ثابت قدم می‌دارد تا به مقام قرب و فلاح نهایی دست یابد.

متأسفانه روان شناسی غربی، قد ما را کوتاه بار آورده است؛ مثلا دائم به برنامه ریزی برای آینده و هدف گذاری و... توصیه می‌کند. یادمان می‌رود داریم در مورد آینده‌ای صحبت می‌کنیم که اطلاعی از آن نداریم. قدرت و توانی بر تغییرش هم نداریم و از آن طرف فراموش می‌کنیم که بسیاری از این برنامه ریزی‌ها هدف گذاری‌ها، هیچ وقت طبق برنامه پیش نرفته است و بازهم برنامه ریزی می‌کنیم و بازهم هربار کارها طبق اراده او پیش می‌رود و ما بازهم هربار فراموش می‌کنیم.

از نگاه اسلام، قد برنامه ریزی و آینده نگری و آرزو آن قدر کوتاه نیست که فقط محدود به همین دنیا شود. آن برنامه ریزی و آینده نگری عاقلانه و خردمندانه است که قدش به اندازه ابدیت باشد؛ وگرنه چند روز دنیا قدش خیلی کوتاه تر از این است که من بخواهم برنامه ریزی و آینده نگری آن چنانی داشته باشم. در همین راستا امام سجاده^۱ در دعای چهلم صحیفه سجاده، نحوه صحیح زندگی را از خداوند این طور می‌طلبد:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنَا طَوْلَ الْأَمَلِ، وَقَصِّرْهُ عَنَّا بِصِدْقِ الْعَمَلِ. حَتَّى لَا نُؤْمِلَ اشْتِمَامَ سَاعَةٍ يَغْدُ سَاعَهُ، وَلَا اشْتِيفَاءَ يَوْمٍ يَغْدُ يَوْمَهُ، وَلَا إِتِّصَالَ نَفْسٍ بِنَفْسٍ، وَلَا لُحُوقَ قَدَمٍ بِقَدَمٍ خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ما را از آرزوی دور و دراز بی‌نیاز کن و دست آرزوهای دراز را با عمل راستین، از دامن حیات ماکوتاه فرما؛ تاآنکه پایان بردن ساعتی را از پی ساعتی و دریافتن روزی را به دنبال روزی و پیوستن نفسی را به نفسی و رسیدن گامی را به گامی، آرزو نکنیم.»

گاهی ما برای چند سال دنیا طوری برنامه ریزی می‌کنیم که گویی قرار است برای همیشه اینجا باشیم. در ادامه این دعا، امام سجاده^۱ از خدا می‌خواهد فکر پایان بردن ساعتی پس از ساعت دیگر را از ایشان دور کند.



احمد علی محمدی

در سال های اخیر، بسیاری از مردم برای حفظ ارزش دارایی خود، سرمایه شان را به طلا تبدیل کرده اند. اما این پرسش مهم پیش می آید که آیا می توان از این سرمایه به شکلی حلال بهره برد؟ یکی از پیشنهادهایی که گاهی مطرح می شود «اجاره طلا» ست؛ یعنی فردی طلای خود را در اختیار طلافروش می گذارد و در ازای آن مبلغی دریافت می کند. اما باید دانست که این نوع قرارداد، از نگاه فقه اسلامی صحیح نیست و باطل است.

در مقابل، فقه اسلامی راهی روشن و مطمئن پیش روی ما گذاشته است: قرارداد سلف یا همان پیش خرید طلا. در این روش، شخص سرمایه گذار با فروشنده طلا توافق می کند که مقدار مشخصی طلا را با پرداخت نقدی و قطعی، برای تحویل در آینده خریداری کند. برای مثال، اگر امروز قیمت هر گرم طلا ۱۰ (میلیون تومان باشد، فروشنده ممکن است با در نظر گرفتن موعد تحویل شش ماهه یا یک ساله، طلا را با تخفیف - مثلا هر گرم ۷ میلیون تومان - به صورت سلف بفروشد. خریدار، پول را همان جا نقدا پرداخت می کند و در موعد مقرر، طلا را تحویل می گیرد.

نکته مهم در صحت این معامله، تعیین دقیق نوع و ویژگی طلا (عیار، وزن، شمش یا سکه بودن)، مشخص بودن زمان و مکان تحویل و پرداخت کامل مبلغ در هنگام قرارداد است. در صورت رعایت این شرایط، معامله کاملا شرعی و معتبر خواهد بود، حتی می توان توافق کرد که تحویل طلا به صورت تدریجی باشد؛ مثلا ماهی چند گرم تا زمان مقرر.

این روش نیز اگر برپایه همان اصول فقهی انجام شود، صحیح است. قرارداد سلف هم به طلافروش کمک می کند تا نقدینگی لازم برای کار خود را به دست آورد. و هم برای خریدار فرصتی است تا سرمایه اش را در مسیر سود حلال به کار گیرد. در پایان یادآوری می کنیم که بهتر است این گونه معاملات به صورت مکتوب، با شاهد و سند و وثیقه معتبر انجام شود تا از هرگونه شبهه یا اختلاف احتمالی جلوگیری شود.



فرقه های انحرافی؛ زاییده بحران های عصر قاجار

پژوهشگر مطالعات اسلام وادیان از دلایل اجتماعی و فرهنگی ظهور و گسترش فرق انحرافی می گوید



شیخیه، بابیه و بهائیت، نه از خلأ معرفتی، بلکه از خلأ اعتماد عمومی، ضعف نهادهای دینی و بحران های اجتماعی سر بر آوردند و با ترفندهایی پیچیده، توانستند ذهن و دل بسیاری از مردم را از مسیر حقیقت، منحرف سازند. آنچه می خوانید، بخشی از گفت وگوی تفصیلی با مهدی قاسمی، پژوهشگر مطالعات تطبیقی اسلام وادیان، است که با نگاهی موşkافانه به واکاوی عوامل اجتماعی، فرهنگی و فکری ظهور این فرقه ها پرداخته است.

پرسش های دیرینه معرفی کنند. اما آنچه در پس این ظاهر فریبنده نهفته است، انحرافی عمیق از مسیر دین اصل و آموزه های راستین اسلام است. در این نوشتار، درصدد هستیم که با نگاهی دقیق و تحلیلی، به بررسی زمینه های پیدایش فرقه های انحرافی در ایران، به ویژه در عصر قاجار پرداخته ایم؛ عصری که بحران های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اعتقادی، بستری مناسب برای رشد چنین جریان هایی فراهم آورد. فرقه هایی چون

محمدجواد علی پور در تاریخ تحولات فکری ایران، فرقه های انحرافی همواره نقش آفرین بوده اند، نه به عنوان جریان هایی حاشیه ای، بلکه گاه به مثابه نیروهایی تأثیرگذار در شکل دهی به ذهنیت عمومی و حتی ساختارهای اجتماعی. این جریان ها، با بهره گیری از زبان دین و تکیه بر نیازهای روانی و اجتماعی مردم، توانسته اند در بزنگاه های تاریخی، خود را به عنوان پاسخ هایی نوین به



جامعه ای در انتظار منجی

برای فهم ظهور این فرق انحرافی مانند شیخیه، باید نشانه هایی را در جامعه معاصر قاجار به جست و جو کرد. مردم تحت شرایط خاص اجتماعی و روحی، ناخواسته به سمت باورهایی گرایش پیدا می کردند که بتواند آنان را از مصخمه های موجود نجات دهد. انواع گرفتاری ها از مشکلات اقتصادی و شیوع بیماری هایی مانند وبا گرفته تا فقر فرهنگی و بی سواد ی، جامعه را به سمتی سوق می داد که نیاز به یک ناجی یا منجی را در خود احساس کند. این بستر، آماده پذیرش اندیشه های نوینی بود که وعده رهایی می دادند.

رؤیاهای صادقه و چلەنشینی های عرفانی

پژوهشگر مطالعات اسلام وادیان در بخش پایانی سخنانش، به ویژگی های شخصیتی پایه گذار این فرقه انحرافی، اشاره و بیان می کند، در احوالات او آمده است که بسیار اهل رؤیای صادقه بود و فردی منزوی به شمار می رفت. او با استناد به روایاتی که می گفتند شیطان نمی تواند در قالب پیامبران و اولیا ظاهر شود، خواب های خود را الهام شده می دانست. این امر به او اعتماد به نفس زیادی در بیان مطالبش می داد. وی می افزود؛ همچنین نقل شده است که سید کاظم رشتی درباره استادش گفته بود: «او بسیار چله نشینی کرده تا به این مقام رسیده است.» این ریاضت ها و خلوت نشینی ها، از او چهره ای کاریزماتیک ساخته بود که برای شاگردانش بسیار جذاب بود.

حلقه های اشرافی و گسترش حوزه های علمیه

قاسمی از میان چهره های کلیدی فرقه شیخیه، از «حاج محمدکریم خان کرمانی» نام می برد و ارتباط او با دربار قاجار را عاملی برای گسترش این تفکر می داند؛ «اینجا یک نکته جالب تاریخی وجود دارد؛ محمدکریم خان کرمانی، از پیشگامان تفکر «رکن رابع» در این فرقه، به نوه فتحعلی شاه ازدواج کرد. این وصلت، نشان دهنده نزدیکی بسیار زیاد این جریان فکری به مراکز قدرت بود.» وی در توصیف فضای حاکم می گوید: نقل شده است که کلاس های او بسیار اشرافی و لاکچری برگزار می شد. از قلیان های مطلا گرفته تا خدمه با لباس های فاخر این نشان می دهد که این تفکر از پشتوانه مالی خوبی برخوردار بود. به گفته ذکیر قاسمی، در دوره فتحعلی شاه، حوزه های علمیه در شهرهای مهمی مانند کرمان، کاشان، اصفهان، تهران و تبریز به سرعت گسترش یافتند. وی توضیح می دهد، برای حکومت قاجار چندان هم بد نبود که مردم و نجیبان، سرگرم مباحث علمی شوند. این امر تاحدی از ورود آنان به عرصه سیاست جلوگیری می کرد. درواقع، گاهی علم به ابزاری برای سرگرمی و مشغول نگه داشتن ذهن ها تبدیل می شد.

دارالفنون و زایش پرسش های نوین

وقتی دارالفنون تأسیس شد و دانشجویانی برای تحصیل به اروپا اعزام شدند، یک شکاف فکری ایجاد شد. این دانشجویان که بیشتر از طبقات مرفه و اشراف بودند، رفته رفته با فضای سنتی ایران خدا حافظی می کردند و با زندگی مدرن غربی آشنا می شدند. وی ادامه می دهد؛ این تماس، ذهنیت آنان را درگروم می کرد و پرسش های جدیدی را در حوزه اعتقادات مطرح می ساخت. سؤالاتی مانند امام زمان^(ع) چگونه بیش از هزار سال زندگی می کند؟ اکنون کجاست؟ چرا دیده نمی شود؟ معراج پیامبر^(ص) با کدام بدن و چگونه در لایه های بالای جو که اکسیژن نیست، صورت گرفت؟ این پرسش ها اگرچه کاملا جدید نبود، در آن فضای خاص، بازسازی و با شدت بیشتری مطرح می شد.

مهندسی مفاهیم چگونه بهائیت از دل تاریخ زاده شد؟



میرزا حسین کاظمی

از مرگ نجات یافت و به بغداد تبعید شد. در آنجا روابط تازه ای با نمایندگان بریتانیا برقرار کرد و بعدها در نامه ای رسمی از دولت روس تزاری قدرانی کرد. این روابط، شالوده اتکای تاریخی بهائیت بر قدرت های استعماری غرب را بنا نهاد. در بغداد، نزاع میان او و برادرش، میرزا یحیی صبح ازل، بر سر جانشینی و مفهوم «موعود بیان» بالا گرفت و به درگیری های خونین میان بابیان انجامید. سرانجام با جدایی کامل دو برادر، دو شاخه شکل گرفت؛ «اژلبان» و «بهائیان». بهاء... خود را موعود نهایی می دانست، شریعتی تازه ساخت و کتاب «اقدس» را به عنوان ناسخ ادیان پیشین معرفی کرد. در این کتاب، مفاهیمی چون توحید، نبوت و معاد به برداشت هایی نمادین و شخصی فروکاسته شد؛ به گونه ای که دیدن چهره او، «بهشت» و انکارش، «دوزخ» خوانده شده است.

مرکزی این فرقه، «بیت العدل»، در شهر حيفا - در سرزمین های اشغالی فلسطین - نماد همین پیوند پایدار میان بهائیت و قدرت های استعماری است. شورای نه نفره ای که همه تصمیماتش را «الهام الهی» می خواند، اما در تقاضی آشکار با شعار تساوی حقوق زن و مرد که مبلغان آن مطرح می کنند، زنان را از عضویت در خود محروم کرده است؛ همان نهادی که امروز نقش کامل در هدایت فکری و سیاسی این جریان در سطح جهانی ایفا می کند. با مرور تاریخ بهائیت، درمی یابیم که این فرقه بیش از آنکه برپایه وحی و تجربه دینی استوار باشد، محصول طراحی دقیق یک پروژه فرهنگی است؛ پروژه ای که در آن ایمان از معنا تهی می شود و دین به ابزار سیاست بدل می شود. در ظاهر سخن از صلح و انسانیت است، اما در باطن، سنخ از صلح و انسانیت است، اما در باطن، خیانت، خشونت و خرافه دیده می شود. شاید بتوان گفت داستان بهائیت، روایت شکست دین واره ای است که در عصر استعمار متولد شد تا به کار استعمار آید؛ دین واره ای که با واژه های زیبا از یگانگی و آزاداندیشی و... سخن می گوید، اما درواقع، بنیان هر کدام را از درون می فرساید. این همان «مهندسی مفاهیم» است؛ فرایندی که در آن، باور مردم به دین به تدریج از آسمان به زمین کشیده می شود تا قدرت های زمینی، خدایان تازه شوند.